

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نیکولای بابکین- * (Nikolay Bobkin)

برگردان از: ا. م. شیری

۰۶ اپریل ۲۰۱۵

نشانگاه امریکا کدام است: یمن یا ایران؟

پس از اشغال نظامی عراق توسط امریکا در سال ۲۰۰۳ اوضاع خاورمیانه سال به سال بدتر و بدتر می شود. همه آنچه که در منطقه رخ می دهد، خواه در تونس، لیبیا، مصر، سوریه یا اکنون در یمن، نتیجه بلاواسطه مداخلات امریکا در امور داخلی این کشورها می باشد. بارک اوباما در مصاحبه اخیر خود با وایس نیوز اذعان کرد: «دولت اسلامی» از داخل القاعده در عراق که به نوبه خود در اثر حمله ما در آنجا ظهور یافت، رشد کرد. این آن چیزی است که عواقب پیش بینی نشده می نامند. برای این که، پیش از شلیک، باید نشانه گرفت». با این حال هنوز هم سیاست امریکائی بد نشانه گیری می کند.

امریکا با صدور اجازه جنگ با جنبش شیعی «انصارالله» (حوثی ها) خود را بار دیگر با خطر «عواقب پیش بینی نشده» مواجه ساخت. هیچ کسی نمی تواند انکار نماید، که حوثیهای یمن تنها نیروی قادر به رویارویی با گسترش تأثیر تروریستهای «القاعده شبه جزیره عربی» و «دولت اسلامی» هستند. وجود همپوندی تنگاتنگ بین رئیس جمهور هادی با افراتیون سنی مرتبط با «القاعده شبه جزیره عربی» و «دولت اسلامی»، یکی از دلایل اصلی سقوط او به دست شیعیان بود. اتفاقی نبود که بلافاصله پس از اعلام تشکیل دولت حوثی ها «القاعده شبه جزیره عربی» سوگند وفاداری به «دولت اسلامی» یاد کرد و به جنگ مسلحانه با حوثی ها برخاست. بدین ترتیب، این بار نیز تروریستها در تیررس اوباما قرار نگرفتند.

واشنگتن با چشم فرو بستن بر شواهد قاطع دال بر عدم تهدید تروریستی از جانب جمهوری اسلامی، تا کنون ایران را محور اصلی شر در خاورمیانه قلمداد می کند. به جای آن، امروز واشنگتن باید برای عقد پیمان همکاری با تهران علیه «داعش» در عراق و سوریه سعی کند. اما امریکائیهها به منظور مقابله با نفوذ ایران، به حمایت از این نیروهای تروریستی در یمن برخاستند. هدایت سیاست خارجی خود به سمت پوچی، به جزء لاینفک عادت سیاستمداران امریکائی تبدیل شده است.

عربستان سعودی تأکید می کند، که حملات هوائی بنا به درخواست دولت برکنار شده سنی ها انجام می شود. واشنگتن نیز این ادعا را تأیید می کند. مسکو پایان دادن فوری به خونریزیها در یمن را خواستار شد و امریکا را به خاطر این که شباهتهای بین بحران یمن و اوکراین را نادیده می گیرد، مورد سرزنش قرار داد. امریکا در عین

پشتیبانی از رئیس‌جمهور فراری یمن و عدم حمایت از ویکتور یانوکویچ، رئیس‌جمهور سابق اوکراین، بر اساس استانداردهای دوگانه عمل می‌کند: وزیر امور خارجه روسیه، سرگئی لاوروف بر این باور است که حل و فصل هر دو بحران از راه مذاکره و گفت و گوها ممکن بود. اما واکنش دیر هنگام کاخ سفید به برقراری دولت شیعیان در صنعا، وجود انگیزه‌های ضد ایرانی در تصمیمگیری آمریکا در خصوص آغاز تجاوز علیه یمن را ثابت می‌کند.

بارک اوباما به منظور تحکیم سیاست خارجی آمریکا، به ویژه در جهان اسلام برای دوره دوم ریاست جمهوری برگزیده شد و بدین ترتیب هم به تاریخ پیوست. با این درک، پروژه اصلی اوباما در شرق میانه شامل بستن پرونده هسته‌ای ایران، و، اگر ممکن شود، عادی‌سازی روابط با تهران بود. هیچ یک از رؤسای جمهور آمریکا از زمان جیمی کارتر در طول ۳۵ سال به حل این مشکل موفق نشدند. حل آن به دست اوباما نیز بعید است. مسأله فقط در سرسختی ایران یا در موضعگیری ویژه کنگره آمریکا نیست که در مقابل توافق هسته‌ای با تهران چالشهای تشریفاتی ایجاد کرده است.

شالوده و اساس تمام تلاشهای آمریکا را این عقیده تشکیل می‌دهد که نباید به ایران اجازه داد نقش رهبری در منطقه را به عهده بگیرد. جنگ علیه شیعیان یمنی نزدیک به ایران به باور واشنگتن بایستی به جمهوری اسلامی ثابت کند که ایرانی‌ها فاقد قدرت کافی برای تسلط بر خاورمیانه هستند. این بار امریکائیان در گزینش عوامل اجرائی برای انجام این وظیفه با مشکل مواجه نشدند. همانطور که معلوم شد، دشمنان ایران در دنیای عرب به مراتب بیشتر از دوستان آن است. هدف اصلی سعودیها عبارت از این است، که اجازه ندهد ایران جای آنها را بگیرد. مصر هیچ‌گاه از انقلاب اسلامی ایران حمایت نکرده و همواره نگرش خصمانه نسبت به آن داشته است. کشورهای همسایه خلیج فارس از قدرت ایران می‌ترسند و در زیر چتر حمایت سعودیها پناه می‌گیرند. مراکش و اردن، به طوری که واضح است «به خاطر جمع» و همچنین برای آن که با امتناع خود واشنگتن را عصبانی نکنند، به این جنگ پیوستند. در اجلاس سران اتحادیه عرب در مصر تشکیل نیروی واحد منطقه‌ای مورد موافقت قرار گرفت. **نبیل العربی**، دبیر کل اتحادیه عرب موظف شد به منظور تشکیل نیروهای متحد در عرض یک ماه با نمایندگان نظامی کشورهای عضو دیدار نماید. اعراب حتی هنگام جنگ با اسرائیل چنین یکپارچه تصمیم نگرفتند.

ترکیه ضمن پشتیبانی از اعراب، به مخالفت با ایران برخاست. رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور این کشور اظهار داشت که تهران باید رویکرد خود به بحران پدید آمده در عراق، سوریه و یمن را مورد بازنگری قرار دهد. به گفته او، ایران باید از کشورهای نامبرده خارج شود. اردوغان اعتقاد دارد که «رویدادهای یمن، سوریه و عراق محصول مساعی ایران است که می‌خواهد با بهره‌گیری از اختلاف بین شیعیان و سنی‌ها، بر منطقه مسلط شود و این نیز پذیرفتنی نیست». سخنان رئیس‌جمهور ترکیه را در ایران شدیداً منفی ارزیابی کردند. منصور حقیقت‌پور، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس ایران لغو سفر برنامه‌ریزی شده برای چند روز آینده اردوغان به تهران را خواستار شد. حوادث یمن می‌تواند دلیل مهمی برای بروز بحران جدی در روابط ایران و همسایه غیر عرب آن گردد. پاکستان هم به ائتلاف عربی پیوست و قول داد که از جنگ عربستان سعودی با شیعیان یمن کاملاً پشتیبانی خواهد کرد.

تجاوز نظامی علیه یمن «طوفان قاطعیت» نام گرفت. کل منطقه را، چنان که مشهود است، طوفان شدید درنوردیده است. زمان شروع جنگ یمن نیز به طور اتفاقی انتخاب نگردید. ایران در آستانه بستن پرونده هسته‌ای خود قرار دارد، احتمال پایان موفقیت‌آمیز مذاکرات با ۱+۵ وجود دارد. مخالفان منطقه‌ای ایران فهمیده‌اند، که مناقشه تهران با غرب ممکن است به زودی خاتمه یابد. کمتر کسی به دستیابی واقعی ایران به بمب هسته‌ای باور می‌کرد، خطر

ایران را نه با تعداد سانتریفیوژها، بلکه، با تعداد کشورهایی که تهران نفوذ جدی در آنها دارد، اندازه می‌گرفتند. حل و فصل سیاسی مسأله هسته‌ی ایران وضعیت جغرافیای سیاسی در خاورمیانه را تغییر می‌دهد. اما یمن، چیزی بیش از یک حلقه‌ی پیرامونی در امنیت منطقه‌ی نیست.

کشور از یک سو در سراسر ساحل راه دریائی اصلی اروپا به آسیا، از دیگر سوی، در کنار راه تجاری دریای سرخ واقع است. روزانه میلیونها بشکه نفت از هر دو مسیر: از طریق کانال سوئز به دریای مدیترانه و از پالایشگاههای نفت سعودی به بازارهای آسیا حمل می‌شود. تنگه‌ی باب‌المندب، یکی از آن مناطقی است که دولت امریکا به فهرست هفت تنگه‌ی جهانی عبور تانکرهای نفت وارد کرده است. ایران به لحاظ جغرافیائی بر تنگه‌ی هرمز که اهمیت ستراتیژیک زیادی دارد، مسلط است. ادعاهای مرتبط با تشکیل دولت تحت رهبری شیعیان در یمن اغلب از نقطه‌ی نظر امنیت انرژی اروپا در نظر گرفته می‌شود. هر جریانی که موفق بر کنترل یمن باشد، می‌تواند با بستن راه تانکرها از خلیج فارس به کانال سوئز، اروپا را از نفت محروم کند. امروز بنادر یمن در محاصره‌ی ناوگان دریائی عربستان قرار گرفته، و ریاض در نظر دارد مدت زیادی در آنجا بماند.

جنگ یمن، یعنی واداشتن ایران به تن دادن به تحریکات برای دادن پاسخ نظامی. واقعیت این است که ایران منتظر پایان بحران سیاسی در یمن نماند، به سوی برقراری مناسبات بین دولتی با رژیم حوثی‌ها حرکت کرد و تسخیر قدرت سیاسی از سوی آنها را عملاً به رسمیت شناخت. به طوری که واکنش همسایگان نشان می‌دهد، ایران در این کار به عمل پیش از موعد دست زد. اکنون می‌توان منتظر بود، که بحران یمن سرنوشت امضای تفاهمنامه در خصوص برنامه‌ی هسته‌ی ایران را پشت علامت سؤال قرار دهد. سازمان انرژی اتمی ایران در این باره اعلام کرده که حاکمیت ایران ادامه‌ی مذاکرات لوزان را که اکنون به فاز بحرانی رسیده، منتفی نمی‌داند.

یادآوری:

مقاله‌ی فوق در تاریخ ۳۱ مارچ ۲۰۱۵ (۱۰ فروردین- حمل ۱۳۹۴) نوشته شده و خلاف انتظار آقای بابکین مبنی بر مقاومت ایران و تداوم مذاکرات، تفاهمنامه تسلیم ایران در لوزان امضاء گردید. مترجم
*دکتر علوم سیاسی دانشکده مطالعات امریکا و کانادا در فرهنگستان علوم روسیه

۱۵ فروردین- حمل ۱۳۹۴